



۵۴



بانوی ورزشکار محله دانشجو، پس از بازنشستگی در مسیر قهرمانی و شکستن رکوردها قرار گرفت

پیروزی اراده بر سن

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

مروارذ گذشته کلاته برفی از زبان رضا خوش طینت که از کودکی تا بزرگسالی اش در این محدوده گذشت

گندم به آسیاب آبی ریختن

۶



۳

پروژه نیمه‌تمام بوستان نیروی انتظامی در محله امیریه، به خط پایان می‌رسد؟
 ۱۰ سال بلاتکلیفی
 برای بوستان محلی

۷

باشگاه صخره‌نوردی بوستان ملت، زمینه معرفی ورزشکاران به سطح کشوری را فراهم کرده است
 بالارفتن از دیوار قهرمانی

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

● بانوان منطقه ما، آگاه به سلامت خود

بانوان دغدغه مند گروه های ورزشی محلات آزاد شهر و زیباشهر هفته گذشته برای سلامتی بیشتر مادران شهرمان، آستین بالا زدند و یک دوره آموزشی تدارک دیدند. این دوره سلامت محور تحت عنوان پیشگیری از سرطان های شایع در زنان، برای اولین بار در بوستان مادر و کودک برگزار شد و بانوان زیادی از آن بهره مند شدند. در این کارگاه که با مشارکت دانشگاه علوم پزشکی مشهد تدارک دیده شد، ۱۴۰ بانوی پانزده تا هفتاد و پنج ساله با سرطان های شایع، عوامل خطر و راه های پیشگیری، اهمیت تشخیص زود هنگام، روش های غربالگری و زمان مناسب انجام آن آشنا شدند.



● اهالی آزاد شهر، بفرمایید کتاب

بهشتی نونهالان و نوجوانان فرهنگ دوست محله آزاد شهر با همکاری کانون تربیتی رشد و هیئت امنای مسجد امام حسن مجتبی (ع)، غرفه فروش کتاب در محله را راه اندازی کردند. این غرفه از ابتدای این هفته به مدت هفت روز در مجاورت مسجد امام حسن مجتبی (ع) آزاد شهر دایر است تا فضای فرهنگی متفاوتی در دسترس شهروندان باشد. در این غرفه، حدود سیصد جلد کتاب با موضوعات تربیتی، داستان و آموزشی در دسترس شهروندان قرار گرفته است. نونهالان و نوجوانانی که در این کار مشارکت دارند، از اعضای حلقه های کتاب خوانی کانون رشد هستند و این غرفه را با هدف جلب توجه شهروندان به کتاب و کتاب خوانی ایجاد کرده اند. عواید مالی این اقدام فرهنگی هم مجدداً در حوزه های تربیتی و فرهنگی هزینه خواهد شد.

● عرض ارادت ۱۰ مسجد به رهبر شهید

اهالی منطقه ۱۱، هم زمان با چهلمین روز تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی، مراسم سوگواری و گرامی داشت رادر مساجد محلات ده گانه ترتیب دادند. این مراسم در روزهای پنجشنبه و جمعه هفته گذشته در ۱۰ مسجد منطقه ۱۱ برپا و با سخنرانی درباره راه و روش شهید آیت الله سید علی خامنه ای، تلاوت قرآن مجید، سوگواری و پخش مستندات تصویری درباره زندگی رهبر شهید همراه شد. مساجد جواد الائمه (ع)، رسول الله (ص)، حضرت زهرا (س)، ام ابیها حضرت زهرا (س)، امیرالمؤمنین (ع)، حضرت علی (ع)، امام رضا (ع)، سبحان، امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) میزبان این مراسم بودند که به همت اهالی محلی برگزار شد.



● بچه های «دانشجو» به تماشای «لباس شخصی»

اعضای کانون فرهنگی مسجد امیرالمؤمنین (ع) محله دانشجو، فیلم سینمایی «لباس شخصی» را برای نوجوانان و جوانان اکران کردند. این فیلم از ساخته های ابراهیم حاتمی کیاست و هدف از پخش آن در فضایی گروهی، تشریح چگونگی شکل گیری پروژه نفوذ در یک سیستم است. در سه سانس اکران لباس شخصی، بیش از دویست نفر از نوجوانان و جوانان محله، به تماشای این اثر سینمایی نشستند.



زمین چمن مصنوعی بوستان برکت، هفته گذشته میزبان یک جشنواره مهیج بود
بچه ها غرق در کف!

بهشتی اکودکان و نونهالان منطقه ما، در جشنواره کف های غول آسا لحظات شادی را سپری کردند.

این برنامه به همت معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱ در زمین چمن مصنوعی بوستان برکت تدارک دیده شده بود و بیش از دویست کودک، غرق در کف شدن و بازی کردند.

تعدادی از مادران هم در این جشنواره کنار بچه ها حاضر بودند. شیماترکاشوند، مادر فرانک هشت ساله، می گوید: تابستان امسال که خیلی هم گرم بود، به صرفه جویی آب توصیه شد. به همین دلیل خیلی از این بچه ها فرصت آب تنی یا کف بازی در خانه ها را پیدا نکردند و در این جشنواره، حسابی انرژی شان را تخلیه کردند.



المان شهدای گمنام بوستان ملت، در ایستگاه پایانی

ساخت یادمان شهدای گمنام بوستان ملت که از تابستان سال گذشته، توسط شهرداری منطقه ۱۱ آغاز شده بود به مراحل نهایی کار رسیده است. در حال حاضر این یادمان که نمادی از ایثار رزمندگان ایران اسلامی است، بیش از هشتاد درصد پیشرفت فیزیکی دارد و شهریورماه تکمیل خواهد شد تا در هفته دفاع مقدس رونمایی شود.

نوناوری آسفالت بولوار دانشجو

نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۱، در هفته گذشته با تسطیح و نوسازی روکش آسفالت بولوار دانشجو، چهره ای جدید به این معبر شهری دادند. این عملیات عمرانی طی یک هفته، در بولوار اصلی و ۹ مسیر فرعی و در مساحت بیش از ۳ هزار مترمربع اجرا شد تا زمینه تردد دایم در محله دانشجو فراهم شود.

هنرنمایی پسران اسکیت باز در «ملت»

معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۱، برای اولین بار در قالب مسابقات المپیاد ورزشی محلات شهرداری مشهد، میزبان رقابت اسکیت شده است. این مسابقات در بخش سرعت، با حضور پسران چهار تا نه ساله و در زمین اسکیت بوستان ملت برگزار می شود. در این رقابت بیش از صد ورزشکار حاضرند.

شهر خبر



پروژه نیمه تمام بوستان نیروی انتظامی در محله امیریه، به خط پایان می‌رسد؟

۱۰ سال بلا تکلیفی برای بوستان محلی

حسین برادران فرا بوستان جنگلی نیروی انتظامی که به دلیل قرار گرفتن در زمین‌های متعلق به ارگان نیروی انتظامی بین اهالی به این نام مشهور شده، بزرگ‌ترین فضای سبز در محله امیریه است. اینجا قرار بود پارکی باشد که صدای همه اهالی و خنده و بازی بچه‌ها از آن به کل محله برسد اما هر چه سال‌ها و ماه‌ها سپری شد، امید مردم برای تحقق این موضوع کم‌رنگ‌تر شد. حالا این پروژه شهری صرفاً زمینی وسیع است که تعدادی نهال دارد و چند وسیله بازی کودکان بدون هیچ امکانات رفاهی دیگر!



چند درخت و مسیرهای خاکی

وقتی ۱۰ سال قبل، کلنگ این بوستان در محله امیریه زده شد، ساکنان تازه وارد این محدوده از شهر، گمان یک آبادی زودرس در زمین‌های خالی نیروی انتظامی را داشتند اما در گذر زمان مشخص شد برای این پروژه کار خاصی انجام نمی‌شود و به جای توسعه قرار است این مجموعه نیمه کاره رها شود تا خودش معضلی باشد برای اهالی. علی‌زارعی، یکی از همسایه‌های بوستان نیروی انتظامی، می‌گوید: این فضا به عنوان سرانه فضای سبز چند سال قبل در اختیار شهرداری منطقه قرار گرفت. با کاشت درخت، آبیاری و نگهداری آن‌ها توسط شهرداری این فضای سبز کم‌کم شکل گرفت. او ادامه می‌دهد: ولی کار در همین حد ماند. یکی دو سال بعد با پیگیری اهالی، چند دستگاه تاب و سرسره در آنجا نصب شد و بوستان از وضعیت جنگلی خارج شد اما باز هم روند پیشرفت آن فریز شد. همان عده‌ای هم که تا چند وقت پیش به خاطر بچه‌هایشان به اینجا می‌آمدند، الان دیگر نمی‌آیند.

اسیر وعده‌های محقق نشده

جواد محمدی، از اهالی محله امیریه، با اشاره به وعده‌های اجرا نشده در قبال بوستان نیروی انتظامی می‌گوید: چهار سال قبل، پیمانکاران پروژه تسهیلات شهرداری به محله آمدند و طی جلساتی با اهالی، اعلام کردند که قرار است شهرداری بودجه‌ای را به محله اختصاص دهد تا صرف تکمیل این بوستان که اولویت اصلی اهالی بود، شود. مژده بازسازی بوستان نیروی انتظامی داده شد، حتی مسئولان شهرداری و پیمانکاران اعلام کردند به این طرح بودجه اختصاص یافته است اما باز هم هیچ اتفاقی نیفتاد.

در این مدت، شهروندان بسیاری دغدغه ساخت این بوستان را داشته

و بارها موضوع را پیگیری کرده‌اند. غلامرضا عنایتی، رئیس شورای اجتماعی محله امیریه، یکی از این افراد است که توضیح می‌دهد: در حدود سه سال قبل، معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه در یکی از جلسات شورای محله، خبر تأمین اعتباری ۵ میلیارد تومانی برای تجهیز بوستان نیروی انتظامی را داد. ما هم این خبر را به مردم دادیم و بندگان خدا از آن زمان پیگیری این موضوع هستند. عنایتی ادامه می‌دهد: جالب است که کار به مرحله انتخاب پیمانکار هم رسید؛ پیمانکار آمد و همان تاب و سرسره را هم برداشت و برود دیگر کاری انجام نشد. حالا یک فضای سبز داریم که درختانی زیبا دارد با مسیرهای خاکی. این بوستان حالا بیشتر از اینکه به کار اهالی محله بیايد، به درد معتمدان و کارتن خواب‌های خورده!

اجرای پروژه، بعد از فسخ قرارداد پیمانکار

برای پیگیری این موضوع به سراغ معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۲ می‌رویم. جلال بیوکی ضمن اشاره به بدعهدی پیمانکاران در مراحل مختلف و بر زمین ماندن کار تکمیل بوستان نیروی انتظامی می‌گوید: بخشی از دلایل توقف کار مربوط به بازطراحی مجموعه است که در سال ۱۴۰۳ اتفاق افتاد.

او ادامه می‌دهد: در این مدت، شهرداری منطقه ۱۲ مرتب پیگیری پروژه بوده است اما در این مسیر پیمانکاران با وجود عقد قرارداد از پس کار برنیا آمده‌اند. در این زمینه باید اشاره کنم که آخرین قرارداد به مبلغ ۱۸ میلیارد تومان منعقد شده اما متأسفانه به نتیجه نرسیده است.

بیوکی در ادامه توضیح می‌دهد: در حال حاضر با پیگیری حقوقی، در صد فسخ قرارداد با پیمانکار هستیم که در سال جاری، روند اداری کار و برگزاری مناقصه مجدد تکمیل شود و تا پایان سال یا سال بعد، این پروژه به مرحله اجرا برسد.

پایان روزهای خاکی رضویه

در ادامه احداث بولوار رضویه و ایجاد مسیرهای شهری این محدوده، نوبت به آسفالت کوچه‌های فرعی این مسیر رسید. به همت نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۲، شش کوچه فرعی در ضلع جنوبی بولوار رضویه، پس از تسطیع و زیرسازی آسفالت شدند تا شرایط تردد ایمن و بدون مشکل شهروندان در این محدوده محقق شود.

اهالی «شهر ترافیک» پای درس شاهنامه

کلاس‌های تخصصی شاهنامه در فرهنگ سرای شهر ترافیک محله مجیدیه آغاز شده است. طی این دوره ها که در شش کدایر است، علاقه‌مندان به شاهنامه به صورت تخصصی بانقالتی، شاهنامه خوانی و نمایش‌های حماسی آشنایی شوند. این دوره با هدف پیوند شهروندان به خصوص نسل جوان با شاهنامه و ادبیات کهن فارسی برگزار می‌شود.

تیم سینا، قهرمان والیبال جاهد شهر

هفدهمین دوره مسابقات والیبال مردان محله جاهد شهر با برگزاری دور پایانی در بوستان نیایش خاتمه یافت. این رقابت‌های مردمی در دو بخش تک ضرب و سه ضرب و با حضور دوازده تیم برگزار شد. در پایان، تیم سینا با قهرمانی در هر دو بخش به این رقابت هیجان انگیز یک ماهه خاتمه داد.



شهر خبر



شهردار منطقه ۱۲، پروژه‌های آسفالت معابر محدوده الهیه را معرفی کرد

دسترس‌های جدید با مسیرهای نو

بهشتی‌اشهررداری منطقه ۱۲ در ماه‌های منتهی به سال قبل و بهار و تابستان سال ۱۴۰۵، پروژه‌های پرشماری را در حوزه آسفالت معابر اجرا کرده است.

شهردار منطقه ۱۲ با تشریح اقدامات این حوزه می‌گوید: در ماه‌های گذشته و در راستای پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندی، همکاران عمرانی ما، آسفالت معابر خاکی دارای نسبت پنجاه درصد سکونت را آغاز کردند که منجر به نوشتن بسیاری از معبرهای اصلی و فرعی شد. مهدی خداشناس ادامه می‌دهد: در این راستا شاخص‌ترین پروژه، آسفالت بولوار رضویه در مسیرهای رفت و برگشت بوده است که منجر به تکمیل این شریان اصلی تردد در محدوده الهیه می‌شود.

او اضافه می‌کند: شش معبر فرعی در خیابان علویه و سه مسیر خاکی در خیابان کاظمیه هم آسفالت شدند و در مجموع بیش از ۷۰ هزار متر مربع نوسازی مسیرهای تردد درون شهری صورت گرفته است.

شهردار منطقه ۱۲ در پایان می‌گوید: مجموع این اقدامات منجر به تکمیل شبکه ارتباطی منطقه ۱۲ و ایجاد دسترسی‌های بیشتر در محلات می‌شود.

بانوی ورزشکار محله دانشجو، پس از بازنشستگی در مسیر قهرمانی و شکستن رکوردها قرار گرفت

پیروزی اراده بر سن



خانواده کامرانی بی‌تکرار ماند؛ هفت عضو یک خانواده در یک قاب بر بام ایران. برای این پیشکسوت کوه‌نوردی و خانواده‌اش، دماوند نه فقط یک کوه، که تندیس پیوند مهر است که در ارتفاع ۵ هزار و ۶۱۰ متری آشکار شد.

چمن‌های بوستان ملت هنوز هم برای سیمین کامرانی بوی شروع می‌دهد؛ عطر مسیری که نه از یک سالن حرفه‌ای، بلکه از قرارهای شبانه دوستانه در مسیر پیاده‌روی پارک آغاز شد. او حالا در حالی که آلبوم افتخاراتش را روی میز می‌گشاید، انگار برگ‌های تقویم زندگی‌اش را ورق می‌زند؛ برگ‌هایی که با رنگ طلایی بیش از پانزده مدال استانی و کشوری مزین شده‌اند. همه چیز از یک دعوت ساده در شب‌های یکشنبه و سه‌شنبه و در دهه پنجم زندگی‌اش شروع شد. وقتی در میان قدم‌زدن‌های روزانه با منیره وفایی، مربی آمادگی جسمانی، هم‌مسیر شد، این آشنایی، سیمین را از پیاده‌روی‌های معمولی به سمت تست‌های نفس‌گیر انتخابی تیم استان کشاند. طولی نکشید که او از میان رفت و آمد به سالن ورزشی شاهد، به پیراهن تیم استان و حضور در رقابت‌های کشوری در رشته آمادگی جسمانی رسید. اما اوچ این داستان، نه در تمرینات، که در یکی از مسابقات نفس‌گیر آمادگی جسمانی رقم خورد؛ جایی که او زمان را به مبارزه طلبید. در ایستگاه دوم ۶۰ متر وقتی سوت داور در فضا پیچید، سیمین چنان برق‌آسا مسیر رفت و برگشت را طی کرد که انگار مسیر برایش کوتاه و آود ختری نوجوان بود.

سرعت او آن قدر خیره‌کننده بود که داوران را به شک انداخت که نکند خطا کرده و پیش از سوت دویده است. این سؤال، لحظات اعلام نتایج را به یک تعلیق کش‌دار و هیجان‌انگیز تبدیل کرد. داوران بارها و بارها صحنه را بازبینی کردند تا باور نکنند آنچه دیده‌اند، خطای استارت نبوده، بلکه قدرت یک اراده شکست‌ناپذیر بوده است. در نهایت، سکوت داوران با اعلام نام او به عنوان رکورددار رده سنی پیشکسوتان شکسته شد؛ رکوردی که نامش را در آن دوره از مسابقات جاودانه کرد.

سیمین کامرانی که تا پیش از هجوم کرونا در سال ۹۸ در مسیر مسابقات آمادگی جسمانی پیشکسوتان می‌تاخت و مدال‌های طلا را یکی پس از دیگری در می‌کرد، حالا با همان روحیه تسلیم‌ناپذیر، فصل تازه‌ای را در دنیای دوومیدانی آغاز کرده بود. او ثابت کرد که برای درخشش، نه سن و سال مانع است و نه مسیرهای تکراری؛ کافی است بخواهی که با هر گام، رکوردی تازه برای خود ثبت کنی.

نصوح آباد، کوله‌باری از خاطرات کودکی

برای سیمین خانم، خاطرات کودکی بوی صبح‌های زود آفتاب زده نصوح آباد را می‌دهد. بوی نان سنگک داغ و چای آتشی که در نسیم‌سردکوهستان می‌پیچید. او خواب‌های شیرین تازد یک ظهر جمعه را هرگز تجربه نکرده است، زیرا زندگی او و خانواده شش نفره‌اش پیش از آنکه خورشید سر از پس کوه‌ها بردارد، در دل جاده‌های پرپیچ و خم و خاکی منتهی به ارتفاعات شهر آغاز می‌شده است.

خانواده او همه اهل ورزش هستند. همان‌هایی که سکوت محض تپه‌های اطراف شهر را به هیاهوی شهر ترجیح می‌دهند. او با لبخندی که انگار غبار از روی خاطرات دهه‌های گذشته می‌شود، تعریف می‌کند: گاهی غروب هاو قتی از مدرسه به خانه می‌رسیدیم، می‌دیدیم مادرمان سور و سوات رفتن به بیرون شهر را آماده کرده و منتظر بازگشت ماست تا همه با هم راه بیفتیم. چه روزها و شب‌ها که بساط عصرانه و شام مادر سکوت لذت بخش کوه‌پهن بود. این یکی از زیباترین و خاطره‌انگیزترین خاطرات کودکی من و خواهر و برادرانم است که پدر و مادرمان برایمان رقم زدند.

در ذهن سیمین خانم روایت ما، جمعه‌ها نه دلگیر است و نه غریب. زندگی در آن سال‌ها سفر بی‌وقفه‌ای بوده که تنها یک بار آن‌هم در هیاهوی تب‌آلود سال چهارم دبیرستان واضطراب کنکور به ایستگاه توقف می‌رسیده است.

وقتی کوه، خانه دوم می‌شود

روی دیوار اتاق سیمین خانم کامرانی قاب عکس‌ها فقط دکور نیستند؛ هر کدام یک تکه از جان و جهان اوست. تصویری از قله‌های سربه‌فلک‌کشیده که هر کدام برای او، قصه‌ای از همت و خاطره‌ای از یک افتخار است. او که حالا نامش با کوه‌نوردی حرفه‌ای گره خورده، آغاز قصه رسیدن به این ارتفاعات را از یک پیاده‌روی ساده در بوستان ملت می‌داند؛ جایی که آشنایی‌اش با یکی از بنیان‌گذاران گروه کوه‌نوردی خلیج، در پیچه‌ای تازه به روی زندگی‌اش گشود.

او با لبخندی که حکایت از شیرینی آن روزها دارد، می‌گوید: همان آشنایی ساده، شروع همراهی‌های جدی ما و آشنایی با کوه‌نوردان بنامی چون مرحوم عبداللّهی معروف به باباکوهی و آقارضا خوشدل شد. خاطرم هست نخستین صعود گروهی به قله سو بود. مسیر گذر از آبشار برای کسی که اولین صعود حرفه‌ای را تجربه می‌کند، کمی سخت است. اما در مسیر کوه همیشه سر تریس داشتیم.

نکته شگفت‌انگیز در مسیر زندگی سیمین خانم دبیر رسیدن نیست؛ بلکه پرشور رسیدن است. او کوه‌نوردی حرفه‌ای را پس از گذر از دهه چهل زندگی آغاز کرد و با اراده‌ای خاص، بر فراز همه قله‌های مرتفع ایران قدم گذاشت؛ در نخستین صعودم به دماوند با پسرم بودم. در ایران تقریباً تمام قله مرتفع را صعود کرده‌ام. خارج از کشور هم، آارات ترکیه، آدامزیک سریلانکا، کلیمانجارو در آفریقا را که بیش از ۶ هزار متر ارتفاع دارند، صعود کرده‌ام.

اما در میان همه صعودها، خاطرات صعود به دماوند، بلندترین قله ایران، رنگ و بوی دیگری دارد. او با هیجانی که هنوز در صدایش موج می‌زند، از صعودی خانوادگی می‌گوید که در زندگی‌اش ماندگار شد: «آن روز، دماوند، میزبان خانواده هفت نفره ما بود؛ از خواهر بزرگم گرفته تا پدر، مادر، دو برادر و پسر. ما از چهار جنبه مختلف به سمت قله حرکت کردیم و با اختلاف زمانی بسیار کم، همگی خودمان را به قله رساندیم.»

در آن روز تاریخی، قله دماوند شاهد ثبت قابی شد که در تاریخ

فاطمه سیرجانی ادر خانه سیمین کامرانی، دیواری وجود دارد که روایتگر عمری دویدن است. ورق‌زدن آلبوم‌های قدیمی‌اش، سفر در زمان است؛ از نوجوانی که بالباس ورزشی مدرسه در تیم بسکتبال و دوومیدانی، شور جوانی را به رخ می‌کشید تا بانوی شصت و هشت ساله‌ای که حالا پیش از سی‌نشان طلا و نقره و بیش از ده آلبوم از حکم قهرمانی‌ها و افتخارات در کارنامه ورزشی‌اش دارد. او کوه‌نوردی را نه از باشگاه‌های مدرن، که از تپه‌های خاکی و بکر نصوح آباد طریقه آغاز کرد؛ جایی که در کنار خانواده درس تسلیم نشدن را آموخت. آمادگی بدنی را در همان گام نهادن در سنگلاخ‌ها و مسیرهای پرپیچ و خم کوه مشق کرد و به قهرمانی در رشته‌های آمادگی جسمانی و دوومیدانی رسید. اما نقطه عطف این روایت در دور دست‌ها رقم خورد؛ وقتی پرچم پرافتخار ایران در کشوری دور بالا رفت، او در رشته دوومیدانی با اقتدار بر سکوی نخست مسابقات آسیایی پیشکسوتان ایستاد و به همه ثابت کرد قهرمانی، تاریخ انقضا ندارد.





بازنشستگی، فاز دوره طلایی

برخی بازنشستگی را پایان کار می‌دانند، اما برای او، این دوران، آغاز یک فصل درخشان بود. پس از سی سال خدمت در یکی از مراکز بهداشتی شهر، کفش‌های کار را از پا درآورد تا بند کفش‌های شش‌اش را برای فتح سکوهای قهرمانی محکم‌تر کند. سی‌مین خانم، گذار از دنیای کارمندی به ورزش، شبه‌اتفاق نیفتاد. اعتماد به نفس او ریشه در سال‌ها ده‌روی و ورزش در بوستان ملت داشت. همان جاکه شبیه‌های آخر هر ماه، علیان، مسئول آمادگی جسمانی، ه‌کوه نوردی آزادگان در حضور داوایی، رکورد سرعت شکاران دوررینگ پیاده‌روی این بوستان را ثبت می‌کرد. خالی که سی‌مین خانم در پنجاه و پنج سالگی، نامش عنوان صاحب بهترین رکورد بانوان در آن مسیر ثبت بود. در دلش جرقه‌ای از یک آرزوی بزرگ تر روشن شد. مریف می‌کند: وقتی دیدم در مسابقات آمادگی جسمانی، در دو سرعت و استقامت رکوردهایی حتی فراتر از رکورد کنندگان رده‌های سنی پایین‌تر از خودم به ثبت رسانم، به این باور رسیدم که هنوز می‌توانم در میادین تهر هم حرفی برای گفتن داشته باشم.

اعتماد به نفس در کنار درخشش در مسابقات گیتی بدنی، او را وسوسه کرد تا در پنجمین رقابت‌های میدانی پیشکسوتان گام در میدان حرفه‌ای این رشته بی‌بگذارد. این چنین شد که به همراه وفایی، مربی فنی جسمانی، راهی کرج شد و آنجا برای نخستین بار مسابقات دوومیدانی پیشکسوتان کشور پایه پیست قه‌ گذاشت.

به نفس‌گیر مسابقه در کرج برای بانوی محله ججو، تکرار همان حس پیروزی‌های گذشته بود؛ اما بار با ابعادی بزرگ‌تر. او در اولین تجربه حضورش با دوومدال طلای سرعت و استقامت، قدرت اراده‌اش رخ همه کشید. برای او، پیست دوومیدانی حالا به ای تبدیل شده بود که در آن ثابت می‌کرد سن، تعددی است که در شناسنامه نوشته شده است، کارنامه زندگی.

بوارپوش ال و لوح افتخار

اگر بخواهید تمام مدال‌ها و احکام قهرمانی این بانوی ورزشکار را روی دیوارهای یک اتاق بچینید، فضای خالی پیدا نمی‌شود. او با بخند می‌گوید: از سال هاتلاش در آن پیدا است، سنگینی را روی میز می‌گذارد؛ کیفی که گنجینه‌ای ریختن‌ها، تمرین‌های سخت و افتخار آفرینی‌ها را در خود می‌پوشاند. آمادگی جسمانی و چندین ورزشی دیگر است.

خانم نایلوں‌های حاوی مدال‌هایی یکی از دل‌برون می‌کشد و روی میز می‌گذارد. مدال‌ها هر کدام ی‌کوچک، شناسنامه دارند و مشخص‌شده‌اند تا مشخص شود به کدام رشته ورزشی است. نظم و دقتی که در ی‌این گنجینه به کار رفته، نشان می‌دهد که این ابرای او، نه فقط تکه‌ای فلز، که روایتگر روزهای جان‌ناورزی زندگی‌اش هستند. در میان این همه ش‌، او از پانزده مسابقه در رشته دوومیدانی و در یکسوتان می‌گوید که در همه آن‌ها، جز یک بار، یز طلا از آن او بوده است.

اول در دوم!

در میان این همه مدال طلایک مدال نقره، داستانی تلخ را در دل خود پنهان کرده است. او خاطره مسابقات دو ۱۰۰ متر تهران را این‌گونه روایت می‌کند: آن روز اول شدم، اما ناگهان اعلام کردند غییر لاین داشته‌ام! من دهنده‌ای آماتور نبودم. یرو ۱۰۰ متر، از خط خارج شوم.

طعم خاک تا یلند

در تقویم خاطرات ورزشی سی‌مین خانم بهمن ماه ۱۴۰۳ جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تاریخی که نه فقط برای او، که برای نام ایران در میدان‌های آسیایی باطعم شیرین پیروزی گره خورد. سی‌مین خانم با مرور آن روزها از تصمیمی می‌گوید که شاید در نگاه اول کمی جسورانه به نظر می‌رسید؛ آن‌هم در حالی که پایش در بند فیزیوتراپی گرفتار بود.

او دوست ورزشکارش، نسرین قدیمی، عزمش را جزم کرده بودند تا در مسابقات آسیایی پیشکسوتان در تایلند پایه میدان بگذارند. وقتی از استان خراسان تنها نام این دو نفر به عنوان نمایندگان بانوان استان در میان سی دهنده اعزامی از سراسر ایران می‌درخشد، سنگینی مسئولیت دوچندان می‌شود.

سی‌مین با همان پای آسیب دیده، اما با قلبی که تپش‌هایش برای رسیدن به خط پایان بود، به دل میدان زد. حاصل این درخشش خیره‌کننده بود؛ دو مدال طلاد رشته‌های ۱۵۰۰ و ۴۰۰ متر و یک مدال نقره در دو ۲۰ متر، اما او این افتخار آفرینی، شکستن رکورد ۴۰ متر در سطح آسیا بود که نام سی‌مین را به عنوان رکورددار جدید در تاریخ این رشته ثبت کرد.

یادگاری گذاشتن مدال دودر پارک صلح

خاطرات بانوی ورزشکار محله دانشجو از تایلند، تنها به مدال‌ها ختم نشد. شاید زیباترین بخش این سفر زمانی بود که او به عنوان نماینده ژئوپلیتیک ایران با شعار «صلح و دوستی» راهی پارک ژوراسیک تایلند شد. تیمی چهارنفره متشکل از دو سائیکل‌توریست (دو چرخه‌سوار گردشگر) و دو دهنده؛ تیمی که به خاطر حضور «شیرین»، خواهر سی‌مین در میان سائیکل‌توریست‌ها طعم خانوادگی و گرمی آن را دوچندان کرده بود.

آن‌ها چهار روز را در این پارک میهمان بودند؛ روزهایی که به گفت‌وگو و پیوند فرهنگ‌ها گذشت. او به نشانه قدردانی، یکی از مدال‌های طلای بارزش خود را به پارک ژوراسیک تقدیم کرد. ابتدا مقاومت آن‌ها را دید که از این هدیه بزرگ متعجب بودند و تواضع به خرج می‌دادند، اما وقتی اصرار او را برای ثبت این یادگاری از ایران دیدند، مدال را با احترام پذیرفتند. مدالی که حالا با توضیحی کامل درباره پیام صلح ایرانیان، در موزه آن پارک می‌درخشد.

سی‌مین خانم حالا یادآوری این سفر، نه فقط به مدال‌هایش، که به آن پیوند فرهنگی افتخار می‌کند. مدال‌هایش شاید در ویرترین خانه باشند، اما آن مدال طلایی که در تایلند به یادگار ماند، برای همیشه در حافظه جمعی و به نام دوستی ملت‌ها باقی خواهد ماند.



مروارذ گذشته کلاته برفی از زبان رضا خوش طینت که از کودکی تا بزرگسالی اش در این محدوده گذشت

گندم به آسیاب آبی ریختن

ایستگاه اول

حسین برادران فرا در مرکز شهر متولد شده بود اما به واسطه کار کشاورزی پدر در محدوده توس، به همراه خانواده به این قسمت از شهر آمدند و ساکن محله کلاته برفی شدند. این‌گونه شد که کودکی تا بزرگسالی رضا خوش طینت در این محدوده از شهر رقم خورد و خاطرات پرشماری در ذهنش شکل گرفت.

وقتی با مرد هفتاد و پنج ساله این محله در توس قدم می‌زنیم، خاطرات او نشان از تغییرات پر شمار در محله دارد؛ خاطراتی که روایتگر برخی فضاهای محلی است که دیگر وجود ندارند.



مسجد الزهرا (س) محله کلاته برفی دقیقاً هم سن من است. من از بچگی مشتری توت‌های درختان دم در بودم. ولی شیرین‌ترین خاطره‌ام از اینجا مربوط به یک دهه قبل است. مادر شب‌های محرم اینجا عزاداری می‌کردیم. یک بار اهل تسنن محله با لباس مشکی به جمع عزاداری ما اضافه شدند و از آن شب، شکل همبستگی محلی ما عوض شد.

در جوانی ام، بدون هیچ دستمزدی و به خاطر بچه‌های محله، خودم را موظف کرده بودم معلمان مدرسه شایگان در شاهنامه ۱۸ را برسانم. صبح‌ها وقتی می‌دیدم معلم‌ها به مدرسه نرسیده‌اند، خودم را با موتور به سه راهی فردوسی می‌رساندم و هر جا معلم‌ها را می‌دیدم، سوارشان می‌کردم.

ایستگاه دوم



در بقالی حسن آقا در ابتدای بولوار شاهنامه، همه نیازهای خانه پیدا می‌شد. از این مغازه قدیمی، دو چیز در ذهنم مانده است، اول شکلات‌های چوبی خوشمزه آن، که وقتی بار می‌رسید، در صف می‌ایستادیم برای خریدشان. یکی هم دیوارهای گلی و در قدیمی چوبی اش. الان از هیچ کدام خبری نیست.

ایستگاه سوم



ایستگاه پنجم

حمام ما بچه‌ها در تابستان، جوی آب قنات محله کلاته برفی در شاهنامه ۱۸ بود. در مسیر این جوی آب، شاخه‌های درختان میوه آویزان بود و ما حین شنا، میوه می‌کنیدیم و با خنده می‌خوردیم. بعضی وقت‌ها از شدت پر خوری در تابستان دل دردی می‌شدیم.

این آسیاب آبی در شاهنامه ۱۰، آرد مرغوبی تولید می‌کرد و افراد زیادی از روستاهای اطراف، گندم خود را به این آسیاب می‌آوردند. نزدیک آسیاب هم کسانی بودند که آرد را نان می‌کردند و همیشه تکه نان داغی به ما بچه‌ها می‌دادند که مزه‌اش هنوز زیر زبانم است.

درخت توتی در محله داریم که می‌توانم بگویم من و بچه‌های هم محلی روی ساقه خمیده آن بزرگ شده‌ایم! زمستان و تابستان نداشت؛ در فصل گرما توت آن را می‌خوردیم و در فصل سرما روی تنه آن می‌نشستیم؛ کلی بازی می‌کردیم و حرف می‌زدیم.





باشگاه صخره‌نوردی بوستان ملت، زمینه معرفی ورزشکاران به سطح کشوری را فراهم کرده است

بالارفتن از دیوار قهرمانی

انبوه پارک قرار گرفته و هم کنارش شهر بازی است که خودش نمادی از هیجان و بازی و زیبایی است. او ادامه می‌دهد: استاندارد بودن دیواره‌های سنگ‌نوردی و نزدیک بودن آن‌ها به سطح دیواره‌های رقابت‌ها کمک می‌کند که یک ورزشکار موفق باشد؛ به همین دلیل من از این باشگاه استفاده می‌کنم. چون به آمادگی من برای حضور موفق در رقابت‌ها کمک کرده است. خودم در سه سال اخیر از این باشگاه استفاده می‌کنم و تاکنون یک طلای شهرستان و یک نقره استان را کسب کرده‌ام.

● با استعدادها اینجا ستاره می‌شوند

زیبا تنها نوجوانی نیست که از این باشگاه به سکوی قهرمانی رسیده است. دختران و پسران دیگری هم از این باشگاه تا سطح ملی پیش رفته‌اند. دیواره‌های باشگاه صخره‌نوردی بوستان ملت، مسیر صعود بچه‌های شهرمان به قله‌های موفقیت بوده است. نسرین جودی، یکی از مربیان باشگاه، می‌گوید: در سال‌های اخیر دختران و پسران در این مجموعه تمرین کرده‌اند که در ادامه در سطح کشور و حتی مسابقات بین‌المللی مدال گرفته‌اند. به نوعی باید گفت این مجموعه محل کشف استعداد آن‌ها بوده است و این موضوع اهمیت ایجاد مجموعه‌های ورزشی پر شمار در سطح شهر را بیشتر از گذشته نشان می‌دهد. نسل جدید باتوجه به هیجان این رشته از آن استقبال می‌کند و همه آن‌ها هم استعداد کافی دارند. اگر این باشگاه توسعه یابد، می‌تواند مهد صخره‌نوردی و سنگ‌نوردی شرق کشور شود.

(بولدرینگ) که با شیب‌های متنوع در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد. دیواره‌های دوم، بلند و تمرینی (لید) هستند و در بخش سوم هم دیواره‌های بلند تفریحی تعبیه شده است که مورد استفاده ورزشکاران حرفه‌ای است. علاوه بر این دیوارهای کوتاهی هم ویژه تمرین و سرگرمی کودکان تعبیه شده است.

● از دیواره ملت، به سکوی استان

آنچه روی دیواره‌های باشگاه می‌توان دید و باتوجه به صحبت مربیان، اشتیاق نسل جدید به تمرین این رشته ورزشی پرهیجان بیش از گذشته است و به این واسطه هر روزه تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان در این باشگاه مشغول تمرین و رقابت هستند. زیبا سلمانی دختری دوازده ساله است که درباره این باشگاه می‌گوید: جدا از امکانات مجموعه، به نظرم اینجا زیباترین باشگاه صخره‌نوردی ایران است. هم وسط درخت‌ها و سرسبزی

بهشتی! با صدای سوت مربی، حرکت آغاز می‌شود و ورزشکاران به سرعت مسیر را طی می‌کنند؛ مسیری که البته مانند خیلی از ورزش‌ها افقی نیست و شرکت‌کنندگان در آن باید دیوار عمودی را بالا بروند. این رقابت پراز هیجان است و صدم ثانیه‌ها برای مشخص کردن نفرات برتر تعیین‌کننده است. باشگاه صخره‌نوردی بوستان ملت هر روز، میزبان این رقابت‌ها و تمرینات هیجانی است. این مجموعه پرامکانات‌ترین باشگاه صخره‌نوردی غیر خصوصی شهر مشهد است که زمینه رشد دختران و پسران را در این رشته در شهرستان مهیا کرده است.

● از کودکان تا حرفه‌ای‌ها روی دیواره

باشگاه صخره‌نوردی بوستان ملت، چهارده سال قبل در کنار شهر بازی این پارک قدیمی ساخته شد و در این مدت دو مرحله تجهیز و نوسازی شده و دیوارهای جدید سنگ‌نوردی به آن افزوده شده است. این مجموعه طی دوره‌های مختلف به صورت عمومی یا واگذاری به باشگاه‌ها اداره شده است و اکنون نیز در اختیار آکادمی سنگ‌نوردی است. باتوجه به اینکه شهرداری مشهد سازنده باشگاه صخره‌نوردی بوستان ملت است، هزینه‌های این مجموعه نسبت به سالن‌های مشابه بسیار کمتر است تا همه شهروندان فرصت استفاده از این فضا را داشته باشند.

دیواره‌های این مجموعه در دو فضای روباز و سرپوشیده قرار دارد. باشگاه صخره‌نوردی بوستان ملت دارای سه بخش دیواره است. بخش اول دیواره‌های تمرین کوتاه



نونهال ژیمناستیک کار محله چهاربرج از همه مسابقات با مدال طلا برگشته است

پرش به سکوی اولی

امید محله

جدول پایین می‌آیی. من هم در این مواقع تا روزی که دوباره تمرین را شروع می‌کنم ناراحت‌م ولی وقت وارد باشگاه می‌شوم، نتیجه نگرفتن یادم می‌رود.

● به چه ورزش دیگری علاقه داری؟

فوتبال را هم خیلی دوست دارم. فوتبال برایم خیلی جذاب است و دوست دارم بازی کنم و مسابقات فوتبال را هم دنبال می‌کنم.

● چه کسی بیشتر از همه تو را برای ادامه ورزش تشویق می‌کند؟

خانواده‌ام خیلی به من کمک می‌کنند و وقتی در مسابقات شرکت می‌کنم، همیشه حمایت می‌کنند. از موفقیت‌م، خوشحال می‌شوند و وقتی هم نتیجه‌ای که می‌خواهم را به دست نمی‌آورم، کمک می‌کنند که ناامید نشوم و دوباره تمرین کنم.

● درس و ورزش را چگونه مدیریت می‌کنی؟

خانواده‌ام در این کار به من کمک می‌کنند. مثلاً حواسشان هست که زمان امتحانات درگیر باشگاه نباشم یا در اوج رقابت‌های ورزشی، به فکر کلاس تقویتی برایم هستند.

● اگر چند سال بعد دوباره این مصاحبه را ببینی، دوست داری سام‌آن روز چه کسی شده باشد؟

دوست دارم وقتی چند سال بعد، این مصاحبه را می‌بینم، تعداد مدال‌هایم از امروز بیشتر باشد و در کنار آن چند ژیمناستیک‌کار خوب هم در محله پرورش داده باشم.

● مهم‌ترین افتخاری که تا امروز به دست آورده‌ای، چیست؟

قهرمانی در مسابقات استانی سال قبل در رده نونهالان بود. اینکه توانستم در مسابقات استانی طلا بگیرم، برایم خیلی خوشحال‌کننده بود. این موفقیت باعث شد انگیزه بیشتری پیدا کنم تا تمرین‌هایم را ادامه بدهم.

● چگونه از شکست‌ها عبور می‌کنی؟

در رشته ما شکست مستقیم مقابل حریفی وجود ندارد و وقتی عملکرد خوبی نداری در

ریحانه فرخانی ورزش برای بعضی‌ها فقط یک سرگرمی است، اما برای سام مجنون، ژیمناستیک به مسیری برای رسیدن به موفقیت تبدیل شده است. سام یازده سال دارد و در مدرسه شهید دهقان محله چهاربرج به قهرمانی‌هایش شناخته می‌شود. او از مرداد سال ۱۴۰۲ فعالیت خود را در رشته ژیمناستیک آغاز کرد و خیلی زود توانست در مسابقات استانی بدرخشد. او حالا دوست دارد همین مسیر را که در حرکات زمینی آغاز کرده است، تا رسیدن به همه موفقیت‌های ملی و جهانی ادامه دهد.

● چه شد که به ژیمناستیک علاقه‌مند شدی؟

تایستان سه سال قبل به دنبال برنامه‌ای برای اوقات فراغت به سمت این رشته رفتم. اوایل خیلی از حرکات برایم سخت بود، اما کم‌کم با تمرین توانستم حرکات بیشتری را یاد بگیرم. هرچه بیشتر تمرین کردم، علاقه‌ام هم بیشتر شد.

● اولین مسابقه‌ای را که در آن شرکت کردی، یادت هست؟

اولین مسابقه برایم خیلی هیجان‌انگیز بود. دوست داشتم بهترین عملکردم را داشته باشم. قبل از مسابقه کمی استرس داشتم، ولی وقتی شروع شد، سعی کردم تمرکز را حفظ کنم و حرکاتی را که تمرین کرده بودم، درست انجام بدهم.





منصوره ضیایی از ساکنان محله سید رضی است و بیشتر عصرها برای برداشت گوجه، خیار، بادمجان، کدو و سبزی به اینجایم می‌آید. این بانو تعریف می‌کند: سال قبل که به این محله آمدیم، خبردار شدیم چنین امکانی برای کشت و کار عمومی فراهم است. پیگیری کردم تا توانستم تکه‌ای از زمین‌های اینجارا اجاره کنم و الان با دیدن این مناظر می‌بینم ارزشش را داشت.



مهدی پرنودی دانشجوی مهندسی مکانیک دانشگاه فردوسی است و عصرها همراه مادرش برای چیدن سبزی و جمع کردن گوجه و خیار به سرزمین کوچکشان می‌آید. شهناز عارفی، مادر مهدی، می‌گوید: چهار سال است که اینجایم اجاره کرده‌ایم. جدا از برداشت محصول با کیفیت، اینکه توانسته‌ام با کشاورزی آشنا شوم، برایم خیلی ارزشمند است.



زمین‌داران بوستان محله شهید رضوی، این روزها با برداشت محصولات، حال خوب کشاورزی را تجربه می‌کنند

«برکت» زندگی شهری

فاطمه سیرجانی در قلب بوستان برکت محله شهید رضوی، انگار دنیا آهسته‌تر پیش می‌رود. اینجا مزرعه‌ای در دل شهر است که وقتی وارد آن می‌شوی، نخستین چیزی که نفیست راتازه می‌کند، بوی خوش خاک نم‌خورده و عطر تند سبزی‌های تازه است. دیگر نه صدای بوق ماشین‌ها شنیده می‌شود و نه شتاب همیشگی شهر را حس می‌کنی. اینجا فقط صدای باد است که میان ساقه‌های سبز می‌پیچد و سکوتی که جان می‌دهد برای دوباره نفس کشیدن. زمین کشاورزی شهری بوستان برکت به تکه‌های کوچک تقسیم شده است و باغچه‌های دنجی که هر کدام، قصه‌دست‌های کسانی است که دلشان خواسته با خاک رفیق شوند. این روزها فصل برداشت محصول از این مزرعه رسیده و همه چیز دیدنی است.



نیات دخترک شش ساله‌ای است که در میان بوته‌های گوجه و بادمجان شادمانه قدم می‌زند. مادرش، زهرا زعیمی، می‌گوید: دخترم را از وقتی یک ساله بود، به اینجا می‌آورم و در کنار کشت و کار سبزی و صیفی جات، او هم همین جابازی می‌کند و خانوادگی این فضای زیبای کشاورزی در شهر را تجربه می‌کنیم.



عکس: فاطمه سیرجانی/شهرآرا

فرزانه فریدنیا و فاطمه عباسی مزرعه‌هایشان کنار هم است. آن‌ها سخت مشغول کار هستند و می‌خواهند قبل از ساعت ۷ و بسته شدن در مزارع، سبزی‌هایشان را بچینند. فاطمه خانم می‌گوید: از وقتی محصولات مزرعه خودمان را استفاده می‌کنیم، سبزی و گوجه و خیار بازاری برایمان طعم و مزه ندارد.